



در باره انواع حق تقدم در زندگی چه می دانیم؟

چراغ هوشمند هستی تخلفات ما را ثبت می کند

▀ **بلا جعفری**

ما بیشتر وقت‌ها خودمان را در پیشی گرفتن، محق می‌دانیم. انگار همیشه حق تقدم برای ماست! مثلا وقتی سه چهار راهی می‌رسیم، خیلی وقت‌ها به چراغ راهنما که قرمز شده و با زبان بی‌زبانی به ما می‌گوید، جلوتر نیا و بگذار تا خودروها از طول خیابان بگذرند، اعتنا هم نمی‌کنیم و به راهمان ادامه می‌دهیم. خودروها را وادار می‌کنیم تا هر جور شده از سر عتشان کم کنند و اصطلاحا به ساراه بدهند تا راه برای عبور ما باز شود. آنها هم نه تنها به خاطر جان ما که به خاطر گرفتار نشدن در چراغ سنگین راهنمایی و رانندگی به ما راه می‌دهند و از سرعت خود کمی کنند. ما بی آنکه خودمان هم بدانیم در آن لحظه فکر می‌کنیم که حق تقدم با ماست، مثلا به خاطر اینکه خیلی دیو مان شده است یا دلیل‌های بی‌اساس دیگری مثل اینکه ما عابر پیاده هستیم و همیشه حق با ماست. ممکن هم باشد بعضی‌ها در دل بگویند، آیا بابا... این چند ثانیه که چیزی نیست، مگر چطور می‌شود که به جای ایستادن کنار خط عابر پیاده و سختی کشیدن زیر آفتاب، راهم را بروم؟!

خب... جوری می‌روم که راه را برای خودروها نیندم و آرام آرام از آنها راه می‌گیرم که بتوانم زودتر بروم و به کارم برسم، آنها هم به کارشان برسند ولی آیا واقعا

کار به همین جا ختم می‌شود و با کمی راه گرفتن از خودروها هم ما به کارمان می‌رسیم و هم سر نشیمان خودروها؟

▀▀▀

▀ **ظرافت حق تقدم**

حق تقدم شاید واژه بزرگ و قلمبه و سلقبه‌ای به نظر برسد، اما جایش در زندگی ما بسیار ظریف است. این واژه که معادل پارسی آن را می‌شود «به راستی پیشی گرفتن» یا «به درستی پیشی گرفتن» در نظر گرفت، در لحظه لحظه زندگی ما جریان دارد.

اگر حق تقدم با هممان درست پیشی گرفتن را در زندگی مان سر سری بگیریم، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. زندگی آشفته می‌شود و کارها سامان را از دست می‌دهد.

خیلی ما جریان دارد. می‌آید که بین مردم باب شده است. مثلا خیلی‌ها موقع وارد شدن به جایی به بانویی که همراهشان است، می‌گویند حق تقدم با خانم‌هاست، خواهش می‌کنم نخست شما وارد شوید یا مثلا وقتی در صف نان ایستادیم می‌دانیم که باید حق تقدم را رعایت کنیم و آنقدر در صف بایستیم تا نویتمان فرآ برسد. بگذریم از اینکه برخی همین راه هم به درستی رعایت نمی‌کنند. ولی آیا حق تقدم واقعا در محدوه همین مسائلی است که هر روز خیلی واضح برایشان تکرار می‌شود؟ مثلا موقع سوار شدن به مترو یا فشاری که به افراد جلوتر وارد نمی‌کنیم وارد واگن شویم یا موقع سوار و یا پیاده شدن از اتوبوس، از دیگران جلو نزنیم و...

رعایت این نکات خیلی خوب است، ولی ماجرای رعایت حقوق دیگران و حق تقدم، فقط این مسائل کاملا مشهود و دیدنی نیست.

▀ **فاجعه‌ای از بی‌احترامی به حق مردم**

در سال گذشته، در روزهای سرد زمستان ۱۳۹۵، در روز ۳۰ی ماه آنتاقل ناگوری در پایتخت ایران رخ داد که رعایت نکردن حق تقدم رهگذران، آن پیشامد را به فاجعه‌ای دلخراش تبدیل کرد. در این روز که تمام مردم شهرهای دیگر و حتی مردم دنیا با آن همدردی کردند، در اثر بی‌احتیاطی چند نفر، بزرگ‌ترین مرکز خرید پوشاک مردانه تهران، به نام ساختمان پلاسکو، دچار آتش سوزی کوچکی شد که آخر موجب انفجار و تخریب تمامی طبقات این ساختمان غول پیکر شد. یکی از دلایلی که باعث شد تا آتش بتواند به نقاط دیگر ساختمان نفوذ کند، رامبندن و گیر افتادن خودروهای کمک‌رسان آتش نشانی بود. شاید اگر تنها چند ثانیه این خودروها می‌توانستند زودتر به ساختمان پلاسکو برسند، هم‌کنون خانواده‌هایی که عزیزانشان را در آن حادثه از دست داده‌اند، داغدار نبودند و در کنار آن عزیزان از دست‌رفته، زندگی را می‌گذرانند، خسارت میلیاردی



این روزها حرام دور و بر ما بیشتر می‌پلکد

جست‌وجوی زندگی حلال در آلبوم‌های قدیمی

▀ **هما ایرانی**

قدیم تر‌ها مردم مراقب خیلی چیزها بودند، سر سفره آنقدر منتظر می‌ماندند تا بزرگ‌تر سر سفره بنشینند و خوراک را او اول در بشقابش بکشند. از در بیرون نمی‌رفتند، مگر اینکه اول بزرگ‌تر از آن بیرون می‌رفت. حتی به مجلسی که دعوت می‌شدند نمی‌رفتند، مگر اینکه بزرگ‌تر هم به آن می‌آمد. خلاصه اینها یک جور حق بود که برای بزرگ‌تر قائل می‌شدند و تخطی از آن هم برای فرد خاطی، جرم خانوادگی و فامیلی به حساب می‌آمد. هر چه فرد و عضوی از خانواده و فامیل بیشتر به این مسائل اهمیت می‌داد، انسانی باادب‌تر به نظر می‌رسید و ارج و قرب دیگری داشت: مردمی‌تر جلوه می‌کرد و قابل احترام‌تر بود. این آداب هنوز هم در کشور ما دیده می‌شود، شاید کمتر از گذشته باشد اما هنوز هم تا اندازه‌ای از آن در بین خانواده‌ها مخصوصا خانواده‌های سنتی وجود دارد. در مسجد محل برای مسجدی‌های قدیمی‌تر، جایگاه ویژه‌ای در نظر می‌گرفتند و می‌گفتند شما بزرگ‌تر مسجد هستید و حق تقدم با شماست که در صف جلو بایستید. خلاصه مردم برای خود حقوقی ساخته بودند و در فرهنگ بومی خود برای آن تقدم و تأخری در نظر می‌گرفتند.

این آداب شاید تا اندازه‌ای دست و پاگیر بوده و با استقلال طلبی و مدرن زندگی کردن جوان‌های امروزی جور در نمی‌آید، ولی مانع خیلی از ناهنجاری‌ها که امروزه گریبان جامعه را گرفته، می‌شده و از نابسامانی‌های خانوادگی و اجتماعی کم می‌کرده است.

را زیر پا می‌گذاریم، باید ببینیم چه شده که رحم کمتری به خرج می‌دهیم و خودمان را خیلی محق می‌دانیم. چطور شده که فکر می‌کنیم همیشه حق با ماست و سرمان را می‌اندازیم پایین و کاری را که دوست داریم انجام می‌دهیم، ما باید به گذشته نگاه کنیم. شاید خیلی هم لزومی نداشته باشد که به فرهنگ مردم برخی کشور‌های دیگر که آنها را بافرهنگ‌تر می‌بینیم نگاه کنیم، شاید اگر گذشته خودمان را زیر و رو کنیم خیلی چیزها دستگیرمان شود. نه تنها بعضی آموزه‌ها را به یاد می‌آوریم که صفا و صمیمیت زندگی‌ها را هم می‌بینیم. درک این صفا امروزه نعمتی است. سعادت می‌خواهد در زندگی امروزی که شبکه‌های مجازی بیشتر وقت بسیاری از ما را پر کرده است، صفای قدیمی را پیدا کنیم و به خانه بیاوریم.

این صفا و صداقت، نه تنها به نان حلال و زندگی ساده و ... مربوط می‌شد، که با زندگی حلال آنها نیز مرتبط بود. زندگی حلال که تنها به نان حلال نیست، به زندگی حلال است. به سپری کردن روزگار حلال است. به این است که باری از دین‌دیگران بر

قدیم‌تر‌ها حق تقدم یکی از نکات مهم خانواده بود که افراد ملزم به رعایت آن بودند و با آن خانواده و فامیل را سامان می‌دادند. همین فرهنگ باعث می‌شد که زن را وادار به انجام کارهای سخت نکنند و حقوق او را برای داشتن رفاه مقدم بدانند. بگذریم از نگاه امروز

جامعه که زن را پایه‌پای مرد در کار بیرون از خانه محق می‌داند و برخی از این حقوق سوء استفاده‌هایی کرده و به او همچون ماشینی برای کار بیرون، رسیدگی می‌خاند و تربیت فرزند و... می‌نگرند، ولی روی هم رفته نگاه فرهنگ سنتی به حقوق افراد خیلی از دردهای امروز را کم می‌کرده است. با پیشرفت ابزارها و ماشین‌الات مختلف که کاربردهای مختلفی هم در زندگی دارند، رعایت حق تقدم، اهمیت بیشتری هم پیدا می‌کند. احترام به حقوق هم‌دیگر و رعایت نوبت و حق دیگری مهم‌تر هم می‌شود. جامعه که بزرگ‌تر می‌شود، رعایت حقوق یکدیگر هم مهم‌تر می‌شود. در خیابانی که تا به دیروز تنها ۲۰ خودرو در روز عبور می‌کرد و اگر یکی از آنها با سرعت غیرمجاز حرکت می‌کرد، مشکلی جدی برای اهالی محل پیش نمی‌آمد، امروز ممکن است



دوش نداشته باشی و سر بر بالین بگذاری، نه از وقت دیگری بر دوش تو باشد و نه از نیرو و احساس دیگری و نه از ...

زندگی حرام امروزه سایه به سایه ما با ما همراه است. خیلی‌توان می‌خواهد که نگذاری یا در راحت بگذارد و زندگی‌ات را اوده نکند. امروزه ابزار‌های مختلف زیاد شده، پس حقوق زیادی هم در جامعه درست شده است. از صبح که برمی‌خیزیم با این ابزار سر و کار داریم، تا نه تنها شب که می‌خواهیم، که حتی در خواب هم هستند. آدم‌های امروز خیلی درخطر هستند و شاید بتوان گفت که روزگار کنونی پهلووان پرزوری می‌خواهد. اگر ذره‌ای شل شوی، سایه حرام، یا به زندگی‌ات می‌گذارد و راحت را به بیراهه می‌کشاند.

تا به حلالی خیلی از ما او را به زندگی خود آوردیم و خیلی دیگر هم مقاومت کرده‌ایم و خیلی دیگر هم در کمناکش آوردن و نیابردن او هستیم ولی هر جا که نوبت کسی را گرفته و حقی را نادیده گرفته‌ایم، آنوقت حرام را هم به زندگی‌مان آورده‌ایم. اگر نتوانیم راحت سر بر بالش بگذاریم و مرتب بیشتر به این فکر می‌افتیم که برویم سراغ آلبوم‌های قدیمی و فرهنگ قدیمی‌تر‌ها را زیر و رو کنیم. شاید وقت آن رسیده باشد که حلالیت زندگی‌مان را بیشتر کنیم.

نباید گول ابزار و وسایل پیچیده امروزی را بخوریم باید ریشه‌هایمان را دوباره آبیاری کنیم تا بهتر جلو برویم. به گذشته و اصالتمان نگاه کنیم تا امروز بهتری را بین این دنیای بزرگ، پیچیده و شلوغ بسازیم. بهتر به یکدیگر احترام بگذاریم و درواقع با محبت بیشتری با مردم و دنیا رفتار کنیم. ما باید با دنیا بهتر رفتار کنیم تا بهتر با ما رفتار شود، درواقع بهتر است ما برای خودمان، به حق دیگران احترام بگذاریم.

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱



اگر به حق تقدم دوباره نگاه کرده و جدی‌تر به آن توجه کنیم، می‌بینیم که در تمام زندگی ما وجود دارد. از صبح که بیدار می‌شویم و می‌خواهیم برای شستن دست و صورت به دستشویی برویم، تا پاسی از شب که می‌خواهیم دوباره به رختخواب برگردیم، هزار و یک جور حق تقدم بر ایمان پیش می‌آید. از لقمه‌ای که از سفره بر می‌داریم تا سربالی که می‌خواهیم از تلویزیون تماشا کنیم، همه یک جور رعایت حق تقدم می‌خواهد. نمی‌شود هر روز دختر خانواده سرپال دلخواهش را ببیند، در حالی که پدر به خاطر او هر بار از دیدن مسابقه ورزشی از تنها دستگاه تلویزیون خانه محروم بماند

مناسب و کم‌کار نامناسب است هر چه احساسات مادران باره شفاف‌تر باشد، دست به خطای کمتری هم خواهیم زد. شخصی که جلوی راه خودروی آتش‌نشانی را می‌گیرد و مانع رسیدن او به محل آتش سوزی می‌شود، یا احساس خوبی از کار خودش پیدا می‌کند؟ این فرد شاید در دل احساس ناآرامی و دلشوره هم پیدا کرده باشد، ولی مشکل است بایی‌اعتنایی از کنار آن گذشته باشد. احساسات را نباید نادیده گرفت. باید به احساس‌های درونی‌مان که درواقع الهامی از سوی پروردگار و راهنمای قلبی و معنوی ما هستند اهمیت بدهیم.

با رعایت حق تقدم و نوبت دیگری، زندگی همه ما تغییر می‌کند. این کلاما دست خود ما مردم است. لازم نیست که طرح جامع بزرگی از فلان جامعه‌شناس به کشور وارد و بدهی با هممان دست می‌گیری؟ در این صورت ممکن است زندگی در جایی‌راهی یا چیزی را جلوی پایمان بگذارد که برایمان خوشایند نباشد. آنوقت ممکن است خوشحالی‌مان را از دست بدهیم. ممکن است به خاطر کوتاهی‌مان در برابر حقوق دیگران و رعایت نکردن حق تقدم آنان کم‌کم این ناخوشحالی‌ها آنقدر زیاد شود که احساس آرامش خود را از دست بدهیم و به آدم ناآرامی تبدیل شویم که احساس خوشبختی‌اش را از دست بدهد. همین احساس نداشتن خوشبختی و درواقع بدبختی، خودش به خودی خود کافی است تا فرد زندگی‌اش پر از زنج و عذاب باشد.

▀ **قانون را جدی بگیریم**

اگر به حق تقدم دوباره نگاه کنیم و جدی‌تر به آن توجه کنیم، می‌بینیم که در تمام زندگی ما وجود دارد. از صبح که بیدار می‌شویم و می‌خواهیم برای شستن دست و صورت به دستشویی برویم، تا پاسی از شب که می‌خواهیم دوباره به رختخواب برگردیم، هزار و یک جور حق تقدم بر ایمان پیش می‌آید. از لقمه‌ای که از سفره بر می‌داریم تا سربالی که می‌خواهیم از تلویزیون تماشا کنیم، همه یک جور رعایت حق تقدم می‌خواهد. نمی‌شود هر روز دختر خانواده سرپال دلخواهش را ببیند، درحالی که پدر به خاطر او هر بار از دیدن مسابقه ورزشی از تنها دستگاه تلویزیون خانه محروم بماند. رعایت قانون درواقع رعایت حق تقدم دیگران و خودمان است. قانون در کتاب‌ها و منابع مربوط به آن تدوین و درنظر گرفته شده و مردم با اجرا کردن آن به بسیاری تخلفات پایان می‌دهند و راحتی خود و دیگران را به وجود می‌آورند. اینکه برای هر کاری و هرچیزی چه قوانینی را باید به کار برد، شاید کار سختی به نظر بیاید، ولی شاید با استفاده از یک خلی هم سخت به نظر نیاید. قوانین تدوین شده شاید پیچیده به نظر بیاید، ولی باید درنظر گرفت که برای تمام موارد زندگی، ما به کتاب قانون مراجعه نمی‌کنیم یا حداقل جزئیات آن را درنظر نمی‌گیریم و تنها کلیات آن را درنظر می‌گیریم. مثل قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین حاکم بر خانواده و...

اگر بخواهیم تمامی قوانینی را که قانونگذار برای اینها و دیگر موارد زندگی درنظر گرفته بدانیم، شاید سال‌ها نیاز به تحصیل دراین رشته داشته باشیم، حالا اینکه بعد از سال‌ها آموختن آنها خوب هم اجراشان کنیم یا نه، مبحث دیگری است که در اینجا به آن نمی‌پردازیم.

همه ما به طور غریزی و فطری می‌دانیم که انجام کدام کار آنوقت چطور می‌شود که بیمار به خاطر دین‌ریسیدن به

